

مرور خط زمانی نحوه آشنایی و دوستیابی در شبکه های مجازی

رفاقت های واقعی پیروز دوستی های مجازی امروز



امیرحسین علی نیافر

نوجوانه

گاهی یک گره در زندگی هرکدام از ما پیش می آید، کمی فکر می کنیم که در طول تاریخ زندگی چه کرده ایم که به این گره رسیده ایم. نوار یا خط تاریخی همیشه موجب آگاهی بیشتر آدم ها در تمامی جهان می شود و حالا می خواهیم وارد مقوله و مسئله ای شویم که هرکدام از ما حداقل برای یک بار هم آن را تجربه کرده ایم. سابقه دوستی در فضای مجازی و از راه دور کم در حال بیشتر شدن است و بعد از دوده در حال ورود به لایه های جدیدان هستیم. به بهانه موضوع این شماره از نوجوانه، به سراغ خط تاریخی دوستی در فضای مجازی رفته ایم...

آی ظنرتان (فیسبوک)



درست در همان اواسط دهه هفتاد شمسی در کشورهای غربی یک پدیده ای ظهور می کند با نام شش درجه! آقای آندرو وینریچ از ۱۹۶۰ در ساختمان های اداری شبکه ارتباطات آن زمان پله ها را آنقدر بالا و پایین رفت تا بالاخره توانست در سال ۱۹۹۷ اولین شبکه اجتماعی بشر را راه بیندازد تا اکنون ایشان را به دلایلی دعا و به دیگر دلایل روشن، ناله و نفرینش کنیم. اولین چراغ شبکه های اجتماعی در جهان زیاد قوی نبود و مانند چراغ های مهتابی قدیمی، پر پر می زد تا این که در سال ۲۰۰۱ به دلیل گزارش های منفی کاربران و مشکلات این شبکه اجتماعی متوقف شد. بعد از این شبکه اجتماعی به نسبت ضعیف، برنامه های دیگری خواستند که وارد این فضای خلوت و جذاب شوند اما در بین آنها برنامه ای به نام فیسبوک توانست کل همه آنها را بخواباند و این اپلیکیشن در سال ۲۰۰۴ در دانشگاه هاروارد تأسیس شد. ناتان رایت، هنرمند و نویسنده تحصیل کرده آمریکایی در سال ۲۰۱۸ در یک پلتفرم روزمره نویسی با تیتیر «درخواست دوستی» مطلبی درباره تجربه دوستی های فیسبوکی می نویسد که خلاصه اش می شود این که بعد از یک مدتی که الگوریتم های فیسبوک، زندگی او را شناخته، دیگر از یک جایی خود این برنامه آدم هایی را وصل می کند که با آنها یا همکار هستند یا از صحبت با آنها بیزار! در آخر اشاره می کند که فیسبوک باعث شد تا به این نتیجه برسیم که این فضا همان طور که می تواند اطرافیان من را شناسایی کند، حتی می تواند دوستانی برای من انتخاب کند که در آینده چه بسا برای من ضرر نیز داشته باشند. البته بماند که در همان دوران طلوع در دسره های فیسبوک، هر بزرگتری نام این بزرگوار را که می شنید، پشت بند آن چیزهای خوبی نمی گفتند و در نهایت نمی دانستند که قرار نیست شبکه های اجتماعی همین قدر کم و محدود بماند....

برنامه ها وارد می شوند

از همان اواسط و اواخر دهه هفتاد با ورود اینترنت به کشورمان و وارد شدن برخی تلفن های هوشمند لمسی، وارد بخش تازه ای از تاریخ شدیم تا یک موج جدیدی روی فرهنگ و جامعه کشور، بعضی از آدم ها را غرق خودش کند. البته نباید فقط به فیسبوک اشاره کرد بلکه برنامه های چت برخط و انواع و اقسام اپلیکیشن های چت و شبکه مجازی وارد موبایل ها شدند تا حداقل بیشتر حافظه گوشی هر فرد، به این برنامه و اطلاعات پر شود. رفاقت ها حالا رنگ و بوی واقعی و خاکستری به خود گرفتند تا حداقل خیلی از افراد به وسیله همین برنامه های پررنگ و لعاب، زندگی خود را وارد چالش های خاصی کنند. برنامه های آن زمان جدا از بحث ارتباطی خوب شان، محدودیت هایی نیز داشتند و به همین دلیل مخاطب ها را صدا می برد لب جوی آب و تشنه برمی گرداند. برنامه ها در رنگ ها و امکانات مختلف روز به روز به دنیای مجازی اضافه می شدند و همین امکانات جدید آنها باعث می شد هر چند سال یک بار، سیل جمعیتی را از این برنامه به آن برنامه جدید منتقل کنند. البته شاید فکر کنید وی چت ها فقط در کشور خودمان مورد علاقه بسیاری از افراد قرار گرفته است اما باید بگوییم که در کشور چین، یکی از مواردی که همچنان از آن استفاده می شود، همین وی چت ها هستند. با ظهور وی چت در کشورمان و البته آمدن اتاق های چت آنلاین از حوالی سال ۹۳، دوستی های اینترنتی شدت بیشتری گرفت و آن قدر فضای این اتاق چت ها در دسترس و آماده بود که هرکسی با هر سنی می توانست راحت تر از دیگر برنامه ها وارد آن شود و صحبت را با دیگران شروع کند. البته نباید فراموش کرد که برنامه هایی وجود داشت که افراد می توانستند با استفاده از موقعیت مکانی خود یا جی پی اس، با افراد نزدیک در آن محله و شهر صحبت کنند و لقمه های دوستیابی با گذشت و پیشرفته تر شدن این فضا، آماده و آماده تر شد.



رنگ رنای اینترنت

اینجا ایران است. اواسط دهه هفتاد شمسی و همه در حال گذراندن زندگی عادی خود هستند و همه چیز کاملاً واقعی است! منظور از واقعی بودن این است که همه در حال زیست انسانی خود هستند. فکر می کنیم بچه های دهه هشتاد، آخرین نسلی باشند که از پدر و مادر و بزرگ ترهای شان خاطراتی می شنوند که بوی زندگی می دهد. در هر فامیل یا اطرافیان درجه یک قطعاً یک نفر وجود داشته که در دوران نوجوانی و کودکی خود به همراه یکی از دوستان یا اطرافیان، شانس یا خوراکی فروخته باشد. البته فروختن شانس و ... به معنای کسب درآمد نیست و صرفاً در آن زمان کار برای سرگرمی بود. بی جهت نیست اگر بگوییم دوستی و عالم رفاقت در زمان تلویزیون های کم شبکه و سیاه و سفید، رنگی نبوده اند. فضای جامعه به شکلی بود که حوالی ظهر یا بعد از ظهر ها کم کم بچه ها به کوچه، خیابان ها می دویدند و با یکدیگر بازی می کردند. خودشان خبر نداشتند اما ضخامت دیوار دوستی های آنها از ساختمان ژاپن نیز مقاوم تر بوده است. شاید اگر به کسی در آن زمان می گفتیم که روزی می آید که از این طرف دنیا می توانیم با آن طرف دنیا ارتباط برقرار کنیم، در بهترین حالت ما را به دیوانه خانه ها معرفی نمی کردند. در فرهنگ غرب نیز در همان زمان، نبود شبکه های اجتماعی، باشگاه های کلوپ و کتابخوانی در اسارت نوجوانان کشورهای فرنگی بودند. خلاصه این که یک زمانی همه چیز بر پایه واقعیت پیش می رفت و خبری از دنیای اینترنت نبود.

روستای های نو



امروزه همه نوع برنامه مختلف برای دوستیابی یا سرگرمی وجود دارد و تا به اینجا که این مطلب را می خوانید، توسعه دهندگان شبکه های اجتماعی با توجه به نیاز مردم دنیا، شبکه های اجتماعی متعددی ساخته اند که هر یک از آنها برای قشر خاصی است. حالا گیم ها، بلاگ و حتی صاحبان کسب و کار و ... برنامه های مخصوص خودشان را دارند. بعد از حدود بیست و خورده ای سال حضور فضاهای متنی و صوتی شبکه های اجتماعی در تازه و پرتعدادترین برنامه دوستیابی وارد فضای جدید تصویری شده ایم که با هرکجای دنیا می توانید ارتباط بگیرید. این برنامه به این صورت است که شما در خانه یا هر جای این کره جهان نشسته اید و بعد از ازاده و شروع کردن چت توسط شما، به صورت تصادفی به یک نفر وصل می شوید تا با او وارد مکالمه تصویری شوید. این مکالمه تصویری دقیقاً ضد همان اتاق های چت است که باعث می شود همه چیز به واقعیت نزدیک شوند. تقریباً این برنامه چند سالی می شود که در مارکت های اینترنتی وجود دارد اما به تازگی در کشور ما محبوبیت خاصی پیدا کرده. چطور؟ بعد از ضبط تماس های تصویری توسط افرادی به اصطلاح یوتیوبری و صحبت با افراد مختلف در سراسر جهان و پخش آن، افرادی زیادی علاقه مند شده اند تا در این نرم افزار وارد شوند. اغلب این ویدیوهای ترند شده مربوط به کسانی می شود که دنبال جلب توجه و ساختن یک چهره جدید در این فضا هستند و در تمامی ویدیوهای پخش شده، این امر قابل مشاهده است. یک نکته ای که می توان جدا از این برنامه ذکر کرد، شیوع چت و مکالمه های ناشناس است که همه علاقه مندان را ترغیب به صحبت در این فضا می کند؛ فضایی که وسوسه انگیز و در عین ناشناس بودنش، می تواند دردسرساز باشد.

سه تنگنار

اخیراً به عنوان کادر اجرایی در یک مراسم چندروزه رسانه ای حضور داشتم که اغلب شرکت کنندگان آن بچه های ابتدایی یا نوجوان های راهنمایی بودند که از سراسر کشور با تیم های خود برای تولیدات آن رویداد چندروزه جمع شده بودند. در بین این گروه ها یک تیم کوچک نظرم را جلب کرد که با لگوهای زیاد قصد داشتند یک استاپ موشن درست کنند و بزرگترین فرد آن گروه کلاس ششم می شد. نکته ای که از آن بسیار تعجب کردم، تفاوت سکونت های آن سه نفر در استان و شهرهای مختلف ایران بود. یکی از آنها اهل کیش، دیگری اهل مشهد و نفر سوم این تیم اهل شمال کشور بود. وقتی از آنها درباره نحوه آشنایی آنها سوال پرسیدم، به این صورت پاسخ دادند که این رویداد، اولین دیدار آنها با یکدیگر است اما در دو سال گذشته به وسیله برنامه های مخصوص گیم و شبکه های اجتماعی با یکدیگر ارتباط داشته اند.

وقتی از نحوه آشنایی آنها پرسیدم گفتند که از طریق بازی های آنلاین با هم آشنا شده اند و بعد از شروع دوستی، تصمیم گرفته اند در زمینه ای که علاقه مند هستند، فعالیت کنند. این یکی از میلیون ها ماجرای عجیب فضای مجازی است که انگار این رفاقت ها، سر رشته دراز دارد.

